



130

Vol. 34  
Spring 2025  
P.P: 59-80

Research Paper

Received:  
2024-03-14  
Revised:  
2024-05-31  
Accepted:  
2025-06-16  
Published:  
2025-08-17

ISSN: 1025-5087  
E-ISSN: 2654-4971



## Defense Policy

### The behavior pattern of Georgia and Armenia in the South Caucasus region (2004-2024)

Danyal Rezapoor <sup>1\*</sup> | Mustafa Sabouri<sup>2</sup>

#### Abstract

The Caucasus region has received less attention from scientists and decision-makers in the Eurasian region than in the past few years, because the security studies of this region are currently affected by the armed conflict in Ukraine and the turmoil in the Middle East. However, the Caucasus region, especially the South Caucasus, suffers from acute geopolitical fragility due to internal and external reasons, and since the intensification of competition between Russia and the United States has reached its highest level after the Cold War, the process of conflict and cooperation s strategy for the security crises that occurred in the South Caucasus? The hypothesis of the article points to the fact that Georgia and Armenia are forced to carry out their strategic missions in the form of a pendulum of mechanisms related to reassurance measures, improving capabilities and responding to the security threats of the United States (NATO) and Russia. Collective Security Treaty Organization) use. This article will show that the understanding of threats affects the security preferences of forming alliances at the national level of these two countries until 2024, and two propositions are presented to confirm this issue. First: A group of Armenians who considered Azerbaijan and Turkey as the main threat to their government wanted to join the Collective Security Treaty Organization led by Russia until 2022. Second, the Georgians who considered Russia to be the main threat to their government and wanted to be a member of Western institutions before the Georgian dream government.

**Keywords:** South Caucasus, Russia, America, Georgia, Armenia.

1. Assistant Professor of International Relations, Department of Political Science, University of Guilan, Guilan, Iran. Email: [danyalrezapoor@gmail.com](mailto:danyalrezapoor@gmail.com)

2. Phd in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran Email: [m.sabouri@ut.ac.ir](mailto:m.sabouri@ut.ac.ir)





۱۳۰

سال سی و چهارم

بهار ۱۴۰۴

صص: ۸۰-۵۹

## مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷  
الکترونیکی: ۳۶۵۴-۴۹۷۱

## «سیاست دفاعی»

الگوی رفتاری گرجستان و ارمنستان در منطقه قفقاز  
جنوبی (۲۰۰۴-۲۰۲۴)دانیال رضاپور<sup>۱</sup> | مصطفی صبوری<sup>۲</sup>

## چکیده

منطقه قفقاز نسبت به چند سال گذشته کمتر مورد توجه دانشمندان و تصمیم‌گیرندگان حوزه اوراسیا قرار گرفته است زیرا مطالعات امنیتی این منطقه در حال حاضر تحت تأثیر درگیری مسلحانه در اوکراین و آشفتگی‌های خاورمیانه می‌باشد. با این حال، منطقه قفقاز مخصوصاً قفقاز جنوبی ل داخلی و خارجی، از شکنندگی ژئوپلیتیکی حادی رنج می‌برد و از آنجایی که تشدید رقابت میان روسیه و ایالات متحده پس از جنگ سرد به بالاترین حد خود رسیده است، فرآیند درگیری و همکاری آن‌ها و کشورهای منطقه در این بخش حساس اوراسیا مستحق توجه است. از این رو هدف اصلی این پژوهش پاسخگویی به این سوال است که راهبرد گرجستان و ارمنستان در قبال بحران‌های امنیتی رخ داده در قفقاز جنوبی دارای چه ویژگی‌های کنش تاکتیکی و راهبردی می‌باشد؟ فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که گرجستان و ارمنستان در انجام مأموریت‌های راهبردی خود، ارتقا قابلیت‌ها و پاسخگویی برای مقابله با تهدیدات امنیتی آمریکا (ناتو) و روسیه (سازمان پیمان امنیت دسته جمعی) استفاده نمایند. این مقاله نشان خواهد داد که درک تهدیدات بر ترجیحات امنیتی تشکیل اتحادها در سطح ملی این دو کشور تا سال ۲۰۲۴ تأثیرگذار می‌باشد و برای تایید این موضوع دو گزاره ارائه می‌گردد. اول: گروهی از ارمنی‌ها که آذربایجان و ترکیه را تهدید اصلی برای دولت‌شان تلقی می‌کردند، تمایل به عضویت در سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه را تا قبل سال ۲۰۲۲ داشتند. دوم، گرجی‌هایی که تهدید اصلی برای دولت خود را از طرف روسیه می‌دانستند و خواهان عضویت در نهادهای غربی تا قبل از دولت رویای گرجستان بودند.

کلیدواژه‌ها: قفقاز جنوبی، روسیه، آمریکا، گرجستان، ارمنستان.

۱. استادیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. Email: [danyalrezapoor@gmail.com](mailto:danyalrezapoor@gmail.com)۲. دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: [m.sabori@ut.ac.ir](mailto:m.sabori@ut.ac.ir)

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

امروزه منطقه قفقاز از دیدگاه صاحب‌نظران داخلی و خارجی به صفحه شطرنج قدرت‌های بزرگ جهانی از جمله کشورهای روسیه، ترکیه، ایالات متحده و کشورهای اروپایی تبدیل شده و بر اساس نظریه قلب زمین دارای اهمیت کلیدی بر رهبری بر جهان بوده و یکی از مهم‌ترین مناطق راهبردی جهان به شمار می‌آید. به همین دلیل است که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، قفقاز را علاوه بر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بودن؛ به عنوان منطقه حساس از منظر ژئواکونومیک نیز در نظر دارند. منطقه قفقاز، به ویژه بخش جنوبی آن به چند دلیل، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک به شمار می‌آید. یکی آنکه چهار راه ارتباطی شرق-غرب و شمال-جنوب است و به خاطر پل ارتباطی دو قاره آسیا و اروپا-از طریق ابتکار یک کمربند یک راه چین و کریدور شمال-جنوب مورد توافق هند، روسیه و ایران از دیرباز مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. دیگر آنکه راه ورود روسیه به غرب و غرب به روسیه است. سوم آنکه دارای منابع انرژی غنی نفت و گاز می‌باشد و مسیری برای انتقال این انرژی به اروپاست؛ یعنی خطوط لوله مهم در زمینه انتقال انرژی این منطقه به اروپا از داخل قفقاز جنوبی عبور می‌کند و نکته آخر اینکه محل تلاقی ادیان و اقوام مختلف با یکدیگر است (مهدی زاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۲). در رابطه با نفوذ و نقش آفرینی بازیگران جهانی به این منطقه گفتنی است با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، رقیب ایدئولوژیک غرب دیگر تهدیدی برای آن محسوب نمی‌شد و از آنجا که آمریکا اهداف خود را در قالب ناتو به عرصه ظهور می‌گذاشت، تصمیم گرفت در جهت پاسخ به این تغییر محیط بین-الملل برای ایفای نقش فعال در ساختار بین‌الملل، اهداف و رویکرد جدیدی را برای خود تعریف کند. بر این اساس، تحلیل‌گران سیاسی و نظامی غرب تعریف و اتخاذ مفهوم جدید استراتژیک ناتو را رویکردی نوین یا فلسفه جدید وجودی ناتو پس از فروپاشی شوروی و از دست دادن یک دشمن شناخته شده بیان می‌کنند که در این استراتژی جدید امنیتی ناتو مفاهیمی چون همکاری، گفت‌وگو، گسترش حوزه نفوذ به شرق و کنترل تسلیحات کشتار جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. سازمان ناتو به منظور به اجرا گذاشتن طرح توسعه حوزه امنیتی خود به دو شیوه روی آورد: الف. با ایجاد نهاد جدید بین‌المللی موسوم به شورای همکاری آتلانتیک

شمالی در سال ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که ارتباط منطقی را بین اعضای سابق ورشو و سازمان ناتو برقرار کند و در مارس ۱۹۹۱ تمامی جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی به عضویت این شورا درآمدند. ب. ارائه طرح مشارکتی برای صلح در منطقه که در این میان طرح مشارکت برای صلح در منطقه قفقاز جنوبی مهم‌ترین مکانیزم تقویت نفوذ ناتو به حساب می‌آید. در این خصوص، سازمان به اعطای تجهیزات و کسب اطلاعات، هدایت ساختار ارتش‌های این جمهوری‌ها به سمت ارتش ناتو و ارائه کمک‌های آموزشی پرداخته است. ناتو از احیای مجدد اقتدار شوروی می‌ترسید و در پی پرکردن خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی در قفقاز و مدیریت بحران‌های کشورهای منطقه است. همچنین، تلاش می‌کند که رقبای خود (روسیه، ایران، و ...) را در رسیدن به منابع انرژی و اقتصادی منطقه ناکام بگذارد (رضایی و ثنائیان زاده، ۱۴۰۰: ۴).

قفقاز جنوبی با برخورداری از سه جمهوری (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان) به علت متزلزل بودن پایه جمهوری‌شان مجبور بودند برای بقا در منطقه قفقاز جنوبی به قدرت‌های خارجی متکی باشند. ارمنستان به علت فقدان منابع مالی کافی سعی کرده که سیاست خارجی خود را فعال‌تر و بازیگران فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای را وادار به تضمین امنیت و استقلال خود نماید. در این راستا از یک‌سو شاهد تلاش ارمنستان برای افزایش روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با ایران و روسیه و از سوی دیگر شاهد تلاش ایروان برای تحکیم روابط با غرب و ناتو خواهیم بود و به نظر می‌رسد ارمنستان سعی دارد در روابط خود با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعادل ایجاد کند. البته، مرزهای خارجی ارمنستان هنوز هم به وسیله نیروهای نظامی روسیه محافظت می‌شوند و ارمنستان موافقت‌نامه دفاع متقابل را با روسیه امضا کرده و برای دریافت تسلیحات نظامی روسیه اولویت قائل است و در عین حال به عنوان عضو سازمان معاهده امنیت دسته جمعی در حوزه نظامی با دیگر جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی همکاری می‌کند. بعد اعلام استقلال گرجستان در دهه ۱۹۹۰ و در پی آن درگیری‌های خونین در اوستیای جنوبی با دولت مرکزی این کشور، جدایی و استقلال از گرجستان را اعلام کرد. پس از اعلام استقلال، این منطقه برای ۳ سال دچار درگیری‌های خونین شد تا این که در نهایت روسیه، اوستیای جنوبی و گرجستان توافق آتش‌بسی را در سال ۱۹۹۲ میلادی امضا کردند. این وضعیت تا انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی ادامه داشت یعنی زمانی که میخائیل ساکاشویلی که خواستار بازگشت دوباره اوستیای جنوبی به

سرزمین اصلی گرجستان بود، به ریاست جمهوری رسید. با وجود اصرار رئیس‌جمهور، این ایده دو سال بعد با برگزاری همه‌پرسی در اوستیای جنوبی رد شد لذا گرجستان، خواستار عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا شد. این درخواست باعث افزایش تنش‌ها میان دو کشور گردید و در سال ۲۰۰۸ جنگ میان جدایی‌طلبان و نیروهای دولت مرکزی گرجستان آغاز و دولت گرجستان شهر اصلی اوستیای جنوبی را هدف گرفت. در واکنش به این حملات، روسیه به بهانه حمایت از شهروندان روس، وارد اوستیای جنوبی شده و کنترل این منطقه را در دست گرفتند. پس از برقراری آتش‌بس در ۱۲ اوت ۲۰۰۸، روسیه استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا، دیگر منطقه گرجستان را به رسمیت شناخت و این کار منجر به قطع روابط دیپلماتیک مسکو و تفلیس شد. تشدید اختلافات میان گرجستان و روسیه نیز بر گرایش بیشتر تفلیس نسبت به اتحادیه اروپا تأثیر گذاشت و در نهایت منجر به امضای توافق همکاری میان تفلیس و بروکسل در سال ۲۰۱۴ میلادی شد. بالا رفتن نفوذ و موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در قفقاز جنوبی منجر به کاهش و تضعیف موقعیت روسیه و نزدیک شدن آذربایجان و گرجستان به ترکیه و غرب گردید (Frederic and Niculescu, 2023:11). از طرفی همسایگی گرجستان با مناطق بحرانی قره‌باغ و چین و متعاقباً امکان تأثیرگذاری آن بر عمق استراتژیک روسیه، از دیگر وجوه اهمیت ژئوپلیتیکی گرجستان محسوب می‌شد. با توجه به این که گرجستان در جنوب روسیه قرار دارد، هرگونه تحوّل در جنوب غرب گرجستان به‌طور مستقیم در عمق استراتژیک روسیه تأثیرگذار است و نزدیک شدن گرجستان به ناتو و بستن پیمان‌های نظامی با آمریکا در راستای تأمین منافع آمریکا در خزر و به دنبال آن مشارکت این کشور در انتقال انرژی خزر، نفوذ روسیه را محدود می‌کند (مهدی زاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۶-۱۳). تنها نکات رایجی که می‌توان در بین تمام این سناریوها ذکر کرد عبارتند از ثبات و امنیت است. با این حال، اهداف و منافع کشورهای ذی‌نفع با یکدیگر بسیار متفاوت هستند.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که این منطقه عرصه رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی گوناگون می‌باشد. روسیه به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای و جهانی با درگیر شدن در این جنگ خواستار نشان دادن هژمونی خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی با درگیر شدن در این جنگ خواستار نشان دادن هژمونی خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی بود، روسیه می‌خواست نشان دهد

که زمان سکوت در برابر غرب به پایان رسیده است و از این به بعد این کشور در پیگیری اهداف- اش مصمم تر خواهد بود. در مقابل آمریکا نیز به دنبال برتری جویی در این منطقه بوده است. . از این رو هدف اصلی این پژوهش پاسخگویی به این سوال است که راهبرد گرجستان و ارمنستان در قبال بحران‌های امنیتی رخ داده در قفقاز جنوبی دارای چه ویژگی‌های کنش تاکتیکی و راهبردی می‌باشد؟ فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که گرجستان و ارمنستان در انجام ماموریت‌های راهبردی خود ناچار هستند به صورت آونگی از سازکارهای مربوط به اقدامات اطمینان‌ساز، ارتقا قابلیت‌ها و پاسخگویی برای مقابله با تهدیدات امنیتی آمریکا(ناتو) و روسیه(سازمان پیمان امنیت دسته جمعی) استفاده نمایند. این مقاله نشان خواهد داد که درک تهدیدات بر ترجیحات امنیتی تشکیل اتحادها در سطح ملی این دو کشور تا سال ۲۰۲۴ تأثیرگذار می‌باشد و برای تأیید این موضوع دو گزاره ارائه می‌گردد. اول: گروهی از ارمنی‌ها که آذربایجان و ترکیه را تهدید اصلی برای دولت‌شان تلقی می‌کردند، تمایل به عضویت در سازمان پیمان امنیت جمعی به رهبری روسیه را تا قبل سال ۲۰۲۲ داشتند. دوم، گرجی‌هایی که تهدید اصلی برای دولت خود را از طرف روسیه می‌دانستند و خواهان عضویت در نهادهای غربی تا قبل از دولت رویای گرجستان بودند. برای بررسی این فرضیه‌ها با تکیه بر نظریه ژئوپلیتیک و با روش توصیفی- تحلیلی از داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای، سایت‌ها، مقاله‌ها و منابع اینترنتی استفاده شده است.

## مبانی نظری

ترتیبات امنیتی در قفقاز جنوبی از ستون اصلی ژئوپلیتیک برخوردار است که بر خوانشی سه سطحی و سه حوزه‌ای از ژئوپلیتیک استوار است. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تأثیرات جغرفیا بر سیاست است. ژئوپلیتیک درباره چگونگی تأثیر مولفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است. از این رو ژئوپلیتیک قدرت، جغرافیا و نظم سلطه جهانی را به هم پیوند می‌دهد و بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در اجرای سیاست تأکید می‌کند. بر همین مبنا هر کشوری با توجه به تحولات محیطی با کم و کیف متفاوت با یک سیستمی از تهدید- فرصت‌ها مواجه است. این تهدید- فرصت‌ها در سه حوزه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر و در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روی می‌دهند. در این سیستم از تهدید-

فرصت‌ها دولت‌ها تلاش می‌کنند تا حد امکان تهدیدات را مهار یا تعدیل کنند و در عوض بیشترین استفاده را از فرصت‌ها ببرند. به بیان دیگر دولت‌ها سعی در پیشینه‌سازی فرصت‌ها و کمینه‌سازی تهدیدات دارند. از این رو نظریه سه سطح حوزه‌ای مصاحب یک خوانش ویژه از ژئوپلیتیک است که یک دید سه جانبه از سیستم بین‌المللی با سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و سه حوزه مرتبط به هم و در عین حال متمایز ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر ارائه می‌دهد. از این رو تهدیدات و فرصت‌ها در حوزه‌های مختلف قابلیت تسری پیدا می‌کنند و از سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به سطح داخلی سرریز می‌شوند و برعکس. همچنین تهدید-فرصت‌ها در یک حوزه قابلیت تسری به دیگر حوزه‌ها را دارند. در این چارچوب، ژئواکونومیک به عنوان شاخه‌ای از ژئوپلیتیک مطرح می‌شود و به عبارتی بعد اقتصادی ژئوپلیتیک است. ژئوپلیتیک شامل سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت است. اقتصاد از طرفی یکی از ابعاد فضای جغرافیایی و از طرف دیگر یکی از ابعاد قدرت است. ژئوپلیتیک به طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل دهنده خود یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند خورده و به آن توجه می‌نماید. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومیک به عنوان بعد اقتصادی ژئوپلیتیک مطرح می‌شود. اصلاح ژئوکالچر نیز از دو واژه ژئو به معنی زمین و کالچر به معنی فرهنگ تشکیل یافته است. ژئوکالچر به این موضوع می‌پردازد که چگونه یک دولت از پیوندهای فرهنگی خود مانند پیوندهای مذهبی، تاریخی، زبانی یا قومی با سایر کشورها در تعقیب منافع سیاسی-اقتصادی استفاده می‌کند. در حقیقت ژئوپلیتیک نوین ترکیبی از مفاهیم ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر است (یگانه و رئیسی نژاد، ۱۴۰۲: ۶-۷).

## پیشینه پژوهش

در پیشینه پژوهش و در میان آثار ارائه شده ۱- گروهی از منظر ژئوپلیتیکی حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند روسیه، اتحادیه اروپا، ناتو و آمریکا را با هدف توسعه نفوذ خود در منطقه و برخورداری از نگرانی‌های امنیتی قلمداد کرده‌اند و حتی بخشی از نقش‌آفرینی بازیگران در ارمنستان، آذربایجان و گرجستان را متوجه کسب توانایی بازدارندگی در مقابل تهدیدات در

قفقاز جنوبی دانسته‌اند (جعفری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۲؛ متقی و قره بیگی، ۱۴۰۰؛ رضایی و ثنائیان زاده، ۱۴۰۰؛ German, 2022; Lutz, 2019; Elamiryan, 2023).

۲- عده‌ای از منظر رقابت‌های استراتژیک به پیامدهای امنیتی طرح قفقاز جنوبی پرداخته‌اند. که اصلی‌ترین پیامد این طرح کاهش نفوذ روسیه و نهادهای غربی و تاثیرگذاری بر کشورهای منطقه همانند ارمنستان و گرجستان است. نگارندگان معتقدند در آینده نه چندان دور این طرح‌های امنیتی با مجموعه‌ای از موانع امنیتی مواجه است و مخالفت روسیه و ناتو مانع از عملیاتی شدن این طرح‌ها خواهد شد (مهدی زاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ صباغیان، ۱۴۰۱؛ احمدی و همکاران، ۱۴۰۱؛ Avdaliani (2018); Vasilyan, 2023; Frederic and Niculescu, 2022). از مزیت‌های این پژوهش این است که به ارتباط میان روسیه و آمریکا و نهادهای مرتبط به شرق و غرب در منطقه قفقاز جنوبی و تنش‌های و اختلافاتی که وجود دارد را مورد بررسی قرار داده است و از نقدهایی که بر پیشینه‌های فوق وارد است این می‌باشد که این ارتباط را در مورد آمریکا، ناتو و حتی اتحادیه اروپا مورد ارزیابی قرار نداده است که پژوهش پیش‌رو آن را مورد تدقیق قرار داده است.

## یافته‌های پژوهش

### جمهوری ارمنستان، کشاکشی بین غرب و شرق

مورد ارمنستان نشان دهنده یک تفاوت واضح از درک غرب (آمریکا و اتحادیه اروپا) و روسیه به عنوان بازیگران خارجی تاثیرگذار است. نخبگان ارمنی، احزاب سیاسی و مردم، غربیان را به عنوان یک بلوک سیاسی و اقتصادی درک می‌کنند، اما روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) به عنوان شرکای امنیتی حیاتی در ارمنستان شناخته می‌شوند. استراتژی امنیت ملی ارامنه همکاری با همه بازیگران جهانی و منطقه‌ای را مورد قدردانی قرار داده است، با این حال تنها روسیه را به عنوان یک متحد استراتژیک نامگذاری می‌کند (Vasilyan & Petrossian, 2014: 14). در مواجهه با جنگ قره‌باغ کوهستانی که به عنوان اولویت سیاست داخلی و خارجی ارامنه به عنوان یک کشور کوچک تلقی می‌شود؛ ارمنستان علاقمند به حرکت در «زمین شناخته شده» است که با روابط متداول با دولت‌ها تنظیم شده باشد و نه بازیگران بین‌المللی که با ماشین آلات

بوروکراتیک سنگینی همانند ناتو روند تصمیم‌گیری در مورد منافع حیاتی یک کشور را کند می‌کنند. با این وجود، ارامنه همچنین از برنامه‌ها، پروژه‌ها و ابتکارات ناتو استقبال می‌کنند. تاریخ روابط ناتو و ارمنستان به سال ۱۹۹۲ م. برمی‌گردد، هنگامی که ارمنستان به «شورای همکاری آتلانتیک شمالی» که در سال ۱۹۹۷ م. نامش به «شورای مشارکت آتلانتیک - اروپا EAPC» تغییر کرد، پیوست. همکاری عمیق‌تر و گسترده‌تر شد، بعد از اینکه ارمنستان در سال ۱۹۹۴ م. به برنامه مشارکت در صلح (PFP) ملحق شد. همکاری ارمنستان در پروژه بازبینی و برنامه ریزی PFP از سال ۲۰۰۲ م. و اولین مشارکتش در نیروهای حافظ صلح در کوزوو (KFOR) در سال ۲۰۰۴ م. روابط ارمنستان و ناتو را مستحکم‌تر کرد. در همین راستا ناتو و ارمنستان در زمینه اصلاحات نهادها و اصلاحات صنایع دفاعی همکاری می‌کنند. در بسیاری از حوزه‌های دیگر همکاری‌های مانند عملیات «صلح بانی» میان ارمنستان و ناتو انجام می‌گیرد. همکاری‌های ارمنستان و ناتو در قالب برنامه IPAP طرح‌ریزی شده است. در حالی که ارمنستان قصد دارد که همکاری سیاسی و عملی خود را به منظور نزدیک‌تر شدن به ناتو، پی‌گیری کند، این کشور به دنبال عضویت در ناتو نیست.

فراتر از تمرکز بر روی اصلاحات، حوزه مهم دیگر همکاری، پشتیبانی ارمنستان از عملیات‌های تحت رهبری ناتو می‌باشد. صلح بانان ارمنی بخشی از نیروهای حافظ صلح در کوزوو (KFOR) بودند. ارمنستان همچنین یکی از واحدهای سهم در نیروهای امنیتی بین‌المللی (ISAF) در افغانستان بوده است. قرارداد همکاری میان ارمنستان و ناتو در قالب برنامه IPAP، هر دو سال یکبار مورد توافق میان مقامات ارمنستان و ناتو قرار می‌گیرد. به عنوان عضوی از IPAP، ناتو از ارمنستان برای موفق شدن در هدف اصلاحات از طریق فراهم کردن پیشنهادها کارساز و همیاری حمایت می‌کند. ارمنستان نیز سهم مهمی در عملیاتهای ناتو داشته است. در سال ۲۰۰۴ م. نیروهای ارمنی در عملیات «صلح بانی» ناتو در کوزوو شرکت کردند؛ نیروهای ارمنی در کوزوو در سال ۲۰۰۸ م. دوبرابر شدند و به ۸۵ نفر رسیدند. ارمنستان همچنین با ناتو و سایر کشورهای عضو ناتو در دامنه گستردهای از موضوعات دیگر از طریق عضویت در برنامه مشارکت در صلح (PFP) و شورای همکاری اروپا-آتلانتیک (EAPC)، همکاری می‌کند. به طوری که از زمانی که ارمنستان در سال ۱۹۹۴ م. به PFP پیوست، در فعالیت‌های EAPC، نیروهای ارمنی در کنار

نیروهای کشورهای عضو ناتو شرکت کردند، مانند عملیات «صلح بانی» در کوزوو که آن‌ها از سال ۲۰۰۴م. به فعالیت مشغول بودند. همچنین ارمنستان از اعضای سهمیم در نیروهای ISAF در افغانستان است. ارمنستان در حال همکاری با ناتو برای بالابردن قابلیت‌های همکاری نیروهای مسلح ارمنستان با ناتو می‌باشد. این طرح شامل بوجود آوردن یک تیپ صلح بانی با پشتیبانی نظامی می‌باشد که استانداردهای ناتو را رعایت کنند. در کنار آن ناتو و ارمنستان در حال همکاری برای اصلاحات روش آموزش ارتش ارمنستان می‌باشند. همچنین مشارکت در بازیینی و برنامه‌ریزی برنامه‌های PFP یعنی PARP از سال ۲۰۰۲م. به ارمنستان برای بهبود توانمندی نیروهایش در همکاری با ناتو یاری می‌رساند. ارمنستان در جنگ علیه تروریسم از طریق همکاری‌اش در عملیات مشارکت بر علیه تروریسم (PAR-T) سهمیم بود. این عملیات دربردارنده همکاری با سرویس‌های امنیتی ناتو، ارتقاء قابلیت‌های آموزش مبارزه با تروریسم در کشور و تقویت امنیت مرزها بود. (Grigoryan, 2013: 4). علی‌رغم مستحکم شدن روابط روابط ناتو با ارمنستان به علت ترجیحات امنیتی ایروان در روز پنجم ماه میز ۲۰۰۹م. ارمنستان اعلام کرد در رزمایش نظامی ناتو که قرار است از روز چهارشنبه در گرجستان آغاز شود، شرکت نمی‌کند. به گزارش فرانسه ۲۴، در حالی که روسیه با تحریک آمیز خواندن رزمایش ناتو، آن را تقبیح کرده و خواستار لغو آن شده است، ارمنستان نیز که از متحدان مسکو در منطقه به شمار می‌آید، از حضور در این عملیات انصراف داد. وزارت دفاع ارمنستان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «با توجه به شرایط کنونی، نیروهای مسلح ارمنستان در رزمایش نظامی ناتو در خاک گرجستان شرکت نمی‌کنند». با این وجود، جایگاه ویژه کرملین در سیاست ایروان موضوعی است که با ناخشنودی عمومی در ارمنستان نیز همراه بوده است. (Consilium.Europa.Eu, 2020: 3).

سیاست های روسیه در قبال کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بر مبنای مختلفی استوار است. روسیه عمدا روابط با ارمنستان را در منطقه دوگانه تقابل شرق و غرب تعریف می‌کند. دوگانگی که به مسکو این قدرت را می‌دهد که از طریق سازمان امنیت جمعی نقش حفاظت از خود در مقابل نیروهای طرفدار غرب را بازی کند. هدف این نیروها جلوگیری از یکی شدن و ادغام بیشتر ارمنستان با روسیه را است. علی‌رغم این موضوع، مسکو سعی دارد تا حد امکان از مفهوم امنیت و ترکیه در ارمنستان و آذربایجان استفاده کند. روسیه این ایده را ترویج می‌کند که باکو و آنکارا

خواهان اتحاد با کشورهایمانند قزاقستان و قرقیزستان هستند که می‌تواند برای ارمنستان دردسرساز باشد. بسیاری از کارگران ارمنی نیز خواهان ادغام بیشتر در ساختار مورد نظر روسیه هستند و ادعا می‌کنند که مسکو در صورت لزوم از ارمنستان حمایت نظامی خواهد کرد، مشابه بیانیه‌هایی که در اوت ۲۰۰۸ در حمایت از اوستیای جنوبی بیان شد (Makarychev, 2015: 23-24). روسیه با این استدلال که «همگرایی ارمنستان با اتحادیه اقتصادی اوراسیا منافع زیادی برای این کشور به همراه خواهد داشت»، زمینه گفتگوهای سیاسی برای انتخاب اتحادیه اروپا را زیر سوال برد. مسکو منتظر است تا ایروان حکمرانی مورد نظر اتحادیه اروپا را تقویت نکند و بالعکس ثبات سیاسی را حل کند و از کمک سازمان امنیت جمعی در این راستا بهره‌مند شود. به گفته مدیر کل سازمان همکاری‌های شانگهای، «روسیه حق دارد در مورد کارگزاران خارجی قانون وضع کند و جامعه داخلی ارمنستان نیز باید این تجربه را با علاقه ارزیابی کند». در واقع روسیه استبداد را در کشورهای منطقه ترویج می‌کند تا با توسعه دموکراسی غربی توسعه یابد. علاوه بر این، روسیه می‌تواند از ترس نخبگان سیاسی ارمنی از طریق حرکت گروه‌های مخالف استفاده کند (Vasilyan, 2018: 132). در راستای تحکیم روابط ارمنستان و روسیه، تحولات و اعتراضات سیاسی رخ داده در شش ماه اول سال ۲۰۱۸ در ارمنستان به رهبری نیکول پاشینیان که سرژ سرکسیان را ناگزیر به کناره‌گیری از سمت نخست‌وزیری کرده بود؛ برخی از تحلیل‌گران را از تکرار سناریوی وقوع انقلاب رنگی در ارمنستان و پیروزی غریبان دلخوش کرده بود و تلاش داشتند این تحولات را به کودتای نرم یا خزنده غرب در این کشور علیه روسیه تعبیر کنند علی‌رغم اینکه معترضان حرکت اعتراضی خود را «انقلاب آرام» نام نهاده‌اند. به عقیده کارشناسان، ارمنستان با وجود تحولات سیاسی داخلی، به دلایل ژئوپلیتیکی مشخص از جمله وابستگی اقتصادی و نظامی به مسکو و البته مناقشه قره باغ روابط متحدانه خود با روسیه را همچنان حفظ خواهد کرد. و از طرف دیگر فقدان شواهد کافی مبنی بر غرب‌گرا بودن معترضان یا حمایت مستقیم کشورهای غربی از اعتراضات بود؛ درحالی‌که پیش‌تر در جریان انقلاب‌های رنگی در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان، غرب نقش مهمی در برپایی اعتراضات و تغییر نخبگان حاکم داشت، در اعتراضات ارمنستان چنین امری مشاهده نشد. به همین دلیل روسیه تحولات ارمنستان را بیش از آنکه مداخله غرب در امور داخلی این کشور تصور کند، به‌مثابه اعتراضات داخلی نسبت

به سیاست‌های سرکسیان تلقی کرد و از مداخله در اعتراضات اجتناب ورزید. "بنابراین چتر امنیتی سازمان امنیت جمعی به رهبری روسیه با وجود تحولات اخیر، سرنوشت ارمنستان را همچنان تحت کنترل خود دارد. این پیامی بود که اخیراً نه عضوی از فدراسیون روسیه بلکه وزیر خارجه جدید زوریاب منتساکانیان به بروکسل، پایتخت اتحادیه اروپا مخابره کرد و برای هرکسی که احتمالاً فکر کرده بود که حوادث اخیر موجب جابجایی جغرافیایی سیاسی در حیاط خلوت روسیه می‌شود، مخابره کرد" (EU observe, 2018).

قره باغ هم قبل و هم پس از فروپاشی شوروی موضوع درگیری ارمنستان و آذربایجان بوده است، اما باید تاکید کرد که این منطقه در سطح بین‌المللی به عنوان قلمروی آذربایجان به رسمیت شناخته شده است. از سال ۱۹۹۴ این درگیری تا حد زیادی متوقف شده بود. اما در سال ۲۰۲۲ به یک جنگ تمام‌عیار بین دو کشور تبدیل شد که با بازپس‌گیری بیشتر سرزمین‌هایی که قبلاً آذربایجان از دست داده بود (توسط نیروهای نظامی آذربایجان)، به پایان رسید. ارمنستان در پاسخ از ماده ۴ سازمان پیمان امنیت جمعی استفاده کرد (در این ماده گفته شده است که اگر یکی از کشورهای عضو در معرض تهاجم -حمله مسلحانه که امنیت، ثبات، تمامیت ارضی و استقلال آن را تهدید کند- قرار گیرد، این حمله توسط کشورهای عضو به عنوان تجاوز علیه تمام کشورها تلقی می‌شود). اما پس از این رویداد، ارمنستان تنها با یک هیأت کوچک از سازمان پیمان امنیت جمعی که به عنوان هیأت حقیقت‌یاب به مناطق درگیری فرستاده شده بودند، روبرو شد. در رسانه‌های غربی این وضعیت به گونه‌ای بازتاب داده شد که گویا روسیه دیگر نمی‌تواند امنیت ارمنستان را که بین دو همسایه متخاصم آذربایجان و ترکیه قرار گرفته است، تضمین کند. این موضوع بهانه‌ای شد که غرب یک کمپین تبلیغاتی را با هدف تضعیف اقتدار سازمان پیمان امنیت جمعی در چشم دولت و افکار عمومی ارمنستان، به راه اندازد. ارمنستان با توجه به موقعیت جغرافیایی متزلزل خود همچنان عضو سازمان پیمان امنیت جمعی بوده و در عین حال، از غرب هم تضمین‌های امنیتی دریافت می‌کند. ایروان واکنش سازمان پیمان امنیت جمعی را به تشدید درگیری در مرز ارمنستان-آذربایجان، پیشروی نیروهای آذربایجان در سال ۲۰۲۲، نقض منظم آتش‌بس و محاصره کریدور لاجین توسط آذربایجان، ناکافی و به شدت منفعل ارزیابی کرد. در نهایت ارمنستان به دلیل عدم استفاده از ماده ۴ پیمان امنیت جمعی برای درگیری‌های سپتامبر سال

۲۰۲۲، از سازمان پیمان امنیت جمعی ناامید شد. اکنون ناامیدی از سازمان پیمان امنیت جمعی به عنوان یک سازمان تأمین کننده امنیت جمعی به طور مستقیم در عالی ترین سطوح قدرت نه تنها در کلام، بلکه در عمل نیز ابراز می شود - آخرین نمونه آن، صرف نظر ارمنستان از سهمیه معاون دبیرکلی در سازمان پیمان امنیت جمعی است که در واقع نشان دهنده کاهش سطح روابط این کشور با آن سازمان است. در حال حاضر، شرکای غربی ارمنستان به طور فعال سعی دارند از این ناامیدی استفاده کنند (Avdaliani, 2022: 11).

از آغاز عملیات نظامی ویژه روسیه در اوکراین، رقابت بین روسیه و اتحادیه اروپا برای میانجی گری در حل و فصل درگیری ارمنستان-آذربایجان افزایش یافته است. اتحادیه اروپا با هدف بیرون راندن روسیه از منطقه، سعی دارد به میدان اصلی مذاکره بین ارمنستان و آذربایجان تبدیل شود. در نتیجه مسدود کردن کریدور لاجین توسط آذربایجان، ارمنستان بیشتر به نهادهای جمعی غرب مراجعه کرده است - در این راستا، قطعنامه های پارلمان اروپا و همچنین تصمیم های دادگاه حقوق بشر اروپا و دادگاه بین المللی سازمان ملل در لاهه به نفع ارمنستان به تصویب رسیدند. بدین صورت در پس زمینه نارضایتی ارمنستان از سازمان پیمان امنیت جمعی، اقدام های غرب برای به دست گرفتن ابتکار عمل در حل و فصل این درگیری افزایش یافته است. بدین منظور، در اواخر فوریه سال ۲۰۲۳، اتحادیه اروپا یک هیئت نظارتی غیرنظامی را به ارمنستان فرستاد. این امر باعث عصبانیت شدید مسکو شد. مسکو مأموریت اتحادیه اروپا را تلاشی برای بیرون راندن روسیه از منطقه می داند. در پاسخ به مأموریت اتحادیه اروپا، موضوع اعزام هیئت نمایندگی سازمان پیمان امنیت جمعی نیز در حال بررسی است. اما ارمنستان تعدادی پیش شرط برای پذیرش هیئت نمایندگان سازمان پیمان امنیت جمعی مشخص کرده است که یکی از آنها به رسمیت شناختن «اشغال ارمنستان توسط آذربایجان» است. به طور همزمان، فعالیت آمریکا برای همکاری با ارمنستان در حوزه نظامی نیز در حال افزایش است. در سال جاری، وزارت دفاع ارمنستان در نظر دارد در دو رزمایش نظامی که توسط فرماندهی ارتش آمریکا در اروپا سازماندهی شده است KFOR - (نیروهای کوزوو) و Saber Junction (شمشیر به هم پیوسته) - شرکت کند. این در حالیست که ارمنستان در ژانویه سال ۲۰۲۳ با انتقاد از سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، از برگزاری رزمایش های این سازمان در خاک خود، خودداری کرد. آلکساندر

پانکین معاون وزارت خارجه روسیه از ارمنستان خواسته است تا انتقاد علنی از سازمان پیمان امنیت جمعی را متوقف و مذاکراتی را برای از بین بردن اختلافات آغاز کند. پانکین گفت که همه اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی علاقه مند به بهبود گروه و افزایش کارایی آن هستند و در این راستا، بازگشت ارمنستان به دستیابی به این اهداف کمک می کند. وی گفت: «متأسفانه ارمنستان از این سازمان فاصله گرفته است. ما از همکاران خود در ایروان می خواهیم به جای حملات هیجانی و انتقاد از سازمان، بحث درباره موضوعات فوری را در سطوح سیاسی و کارشناسی آغاز کنند». پانکین تأکید کرد که ادامه گفت و گوی سازنده و محترمانه متقابل در چارچوب سازمان پیمان امنیت جمعی، منافع اساسی ارمنستان برای امنیت را برآورده می کند و در خدمت حفظ صلح و ثبات در فضای اوراسیا از جمله منطقه قفقاز جنوبی است. همچنین ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه در نشست خبری هفتگی خطاب به ارمنستان گفت: کسانی که به دنبال نزدیک شدن به ناتو هستند باید از خطرناک بودن و عواقب آن آگاه باشند. زاخاروا اظهار داشت: نزدیک شدن به ناتو به دخالت در درگیری ها، از دست دادن حاکمیت و استقلال، تبعیت از اراده، و مهم تر از همه، ناتوانی در تحقق منافع ملی منجر می شود (aa.com.tr, 12 may 2023).

در اواخر فوریه ۲۰۲۳، سورن پاپیکیان، وزیر دفاع ارمنستان با جیم هارش، مدیر آژانس همکاری دفاعی و امنیتی وزارت دفاع ایالات متحده، برای بررسی همکاری های نظامی - فنی دیدار کرد. وی همچنین در ۱۱ آوریل سال ۲۰۲۳، از فرماندهی عالی نیروهای متحد ناتو در اروپا بازدید کرد. این اقدام ها باعث نگرانی مسکو شده است. مشارکت ارمنستان در رزمایش های بزرگ نظامی دیفنדר-۲۳ ایالات متحده (از ۲۲ آوریل سال ۲۰۲۳) نیز واکنش بسیار منفی وزارت خارجه روسیه را برانگیخت. بسیاری از تحلیل گران این رزمایش ها را تامین کننده تدارکات برای استفاده نیروهای مسلح اوکراین علیه روسیه می دانند (Elamiryan, 2023: 12). غرب سعی دارد با استفاده از مشکلات موجود در حل و فصل درگیری ارمنستان-آذربایجان و نقاط تنش در روابط بین ارمنستان و سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین از طریق اتحاد با ارمنستان پیرامون موضوع های کلیدی مانند رفع انسداد کریدور لاجین، خود را به عنوان یک شریک قابل اعتمادتر، سازنده تر و فعال تر نسبت به روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی نشان دهد. غرب با بازی با احساسات ارمنستان به دنبال بیرون راندن روسیه از منطقه و تضعیف سازمان پیمان امنیت جمعی

است. در آینده نزدیک، وضعیت مرزی ارمنستان-آذربایجان و فعالیت‌های غربی مرتبط با آن یکی از خطرناک‌ترین چالش‌ها برای سازمان پیمان امنیت جمعی، بویژه در صورت دور جدید تشدید تنش نظامی در منطقه خواهد بود. ارمنستان بایستی در سال ۲۰۲۴ با این واقعیت کنار بیاید که نه تنها کشورهای غربی، برخلاف لفاظی‌هایشان، بلکه روسیه نیز ارمنستان را در مناقشات منطقه‌ای به صورت همه جانبه حمایت نمی‌کنند و ارمنستان نمی‌تواند بر پشتیبانی این کشورها حساب کند. پس از جنگ دوم قره باغ، نه تنها فهم ارمنستان از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی‌اش دستخوش دگرگونی شده است بلکه ثبات داخلی حکومت این کشور نیز دچار تزلزل شده است. موج مهاجران از قره باغ و استان‌های مجاور، به همراه تلفات انسانی این منازعات در ارمنستان یک سری چالش‌های جدیدی ایجاد کرده است. این کشور از لحاظ اقتصادی تضعیف گشته است و نقش آفرینی‌اش به عنوان بازیگر اصلی به شدت تحت الشعاع قرار گرفته است.

### جمهوری گرجستان؛ کشاکشی بین شرق و غرب

گرجستان در شمال با فدارسیون روسیه هم مرز است. سراسر این خطوط مرزی، منطبق بر آب پخشان رشته کوه‌های قفقاز بزرگ است و ۸۰۷/۶ کیلومتر مرز مشترک را در بر می‌گیرد. این مرز از نظر نظامی و استراتژیک اهمیت بسیار دارد و در حقیقت سرحدات روسیه را در جنوب تشکیل می‌دهد. مهمترین راه‌های ارتباطی قفقاز مرکزی و غربی که روسیه را با گرجستان، ارمنستان و ایران پیوند می‌دهد، از این مرز می‌گذرد. محافظت و نگهبانی از این مرز برای روسیه جنبه حیاتی دارد کما اینکه در دوران شوروی و روسیه تزاری نیز دارای اهمیت بسیار بود و جنگ‌های بی شماری برای دستیابی به این سرحدات به وقوع پیوسته است. بنابراین ترجیحات امنیتی روسیه، سیاست‌مداران این کشور را ملزم می‌کند که در طول بحران و کشمکش‌های دولت گرجستان با جدایی طلبان به این مناطق کمک نظامی بکند به طوری که واکنش‌های سخت‌افزاری و بیم از گسست نرم‌افزاری در گرجستان، باعث رویارویی نظامی میان روسیه و گرجستان در مقاطع مختلف شده است که از آن میان، جنگ اوستیای جنوبی که در سال ۲۰۰۸ رخ داد، نمونه‌ای بارز از نگرانی‌های ممتد روسیه از جنبش‌ها و بسترهای هویتی ضد روسی در این کشور است. تعارض زیست سیاست گرجستان با روسیه، باعث کدهای ژئوپلیتیک ضد روسی در گرجستان

شده و همواره ضدیت با روسیه، طرفداران زیادی را در متن جامعه گرجستان داشته است. از جمله مهم ترین کدهای ژئوپلیتیک گرجستان علیه روسیه، عبارت است از: فعال سازی سازمان کشورهای گوام در مخالفت با حضور روسیه در قفقاز؛ تقویت و گسترش همکاری سیاسی-امنیتی با نهادهای غربی به ویژه اتحادیه اروپا و ناتو و ورود نیروهای آمریکایی به منطقه قفقاز؛ همکاری نزدیک گرجستان با مخالفان روسیه در اوکراین و حمایت آشکار از ویکتور یوشچنکو برای به ثمر رساندن انقلاب نارنجی؛ پشتیبانی از چچنی‌ها در نبردشان با دولت مرکزی روسیه و باز گذاشتن راه دسترسی آن‌ها به جهان بیرون از کنترل روسیه در دره پانکیسی؛ مخالفت با پیوستن روسیه به سازمان بازرگانی جهان؛ تلاش برای عضویت در ناتو؛ تامین تسلیحاتی گرجستان و تعلیم نظامیان این کشور توسط آمریکا؛ تشکیل پیمان ضد روسی «ترابوزان» میان گرجستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه؛ اعلام آمادگی گرجستان برای میزبانی از سامانه‌های دفاع موشکی آمریکا. (Labarre and Niculescu, 2023: 32)

ارزیابی سیاست‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی روسیه در قبال گرجستان به وضوح نشان دهنده این است که کرملین به طور مداوم از اهرم‌های سیاسی و اقتصادی علیه گرجستان در راستا اهداف سیاسی خود در منطقه استفاده می‌کند. روسیه فعالانه از ابزارها و روش‌های پیچیده برای گسترش ادبیات ضد غربی و روس‌گرا در جامعه به صورت گسترده‌تر استفاده می‌کند و آرزوهای اروپا آتلانتیکی و غرب‌گرایانه گرجستان را تضعیف می‌کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هر تلاش جدی گرجستان برای بهبود روابط با همسایگان شمالی خود به دلیل رویکرد امپراتوری روسیه در قبال تفلیس، که به سادگی استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن» خود را در فضای شوروی نشان می‌دهد با شکست مواجه شده است. علاوه بر این، استراتژی سیاست خارجی روسیه در سال‌های گذشته با تقویت قدرت نرم در گرجستان دست‌خوش دگرگونی قابل توجهی شده است که به نوبه خود با تبلیغات قدرتمند کرملین شکل گرفته است. این در حالی است که جنگ اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸ نمود بارز چهره سخت قدرت روسیه مبتنی بر رئالیسم کلاسیک بود. در عین حال باید توجه داشت که روش‌ها و ابزارهای مورد استفاده رسانه‌های روسی در قرن بیست و یکم در مقایسه با تبلیغات مورد استفاده اتحاد جماهیر شوروی روز به روز اصلاح و بهتر شده است. با توجه به تنش موجود در روابط سیاسی کنون بین روسیه و

گرجستان، مسلماً هر چه گرجستان روابط خود را با ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا بیشتر شود، واکنش روسیه در منطقه می‌تواند غیرقابل پیشبینی‌تر باشد. به عنوان مثال، می‌توان به تقویت نیروهای طرفدار روسیه در گرجستان و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در این کشور و تضعیف توسعه دموکراتیک گرجستان و یا برقراری مجدد تحریم‌های اقتصادی را علیه این کشور اشاره نمود. در عین حال باید توجه داشت نظر به اهمیت ژئواستراتژیک مرزهای مشترک با گرجستان، روسیه همچنان هژمونی سخت‌افزاری خود در مرزهای مشترک با گرجستان را فعال نگه داشته است و در مقابل گرجستان نیز مواضع و گرایش خود به ژئوپلیتیک غرب را تقویت و مستحکم‌تر نموده است که بتواند در مقابل روسیه ایستادگی لازم را داشته باشد. از منظر ژئوکالچر، روسیه تاکنون موفقیت موثری در جلب میدان متحد در گرجستان به دست نیاورده است. رسوبات تاریخی ملت گرجی، روسیه را به عنوان کشور و همسایه‌ای خطرناک و تجاوزگر بازنمایی کرده است (متقی دستنایی و قره بیگی، ۱۴۰۰: ۲۵). از این رو به نظر می‌رسد، سیاست‌های سخت‌افزاری روسیه در گرجستان ماهیت شدیدتری نسب به ارمنستان داشته باشد و روسیه با اعمال مجموعه‌ای از فشارهای تنبیه‌ی سخت و کوشش برای تغییر بافت جمعیتی و هویتی در آبخازیا و اوستیای شمالی به دنبال مدیریت فضایی گسست‌های زیست سیاست خود با گرجستان است.

بازیگران داخلی و خارجی که بر فرصت الحاق گرجستان در ناتو اثرگذارند، چشم‌انداز پیوند این کشور را پیشرفت زمینه‌ای برای اجرایی کردن اصلاحات، دموکراسی سازی، ایجاد بازار آزاد و ارتش حرفه‌ای و جدید دانسته‌اند. مورد دیگر در ارتباط به اختلافات حل نشده آبخازیا و اوستیای جنوبی است. گرجستان مدعی است که مناطق جدایی طلب در داخل مرزهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده گرجستان واقع شده‌اند. اما هیچ یک از مناطق جدایی طلب نمی‌خواهند تحت حاکمیت دولت مرکزی گرجستان باقی بمانند ولی ناتو تلاش می‌کند با گسترش حضور در این منطقه به دنبال منافع بلندمدت خود باشد. از دیگر سو، گرجستان همواره تلاش می‌کند تا به ساختارهای یورو-آتلانتیک خصوصاً ناتو پیوندد از این بابت کوشش و اقدامات فراوانی را در پیش گرفته و گام‌های بزرگی را برای این هدف خود برداشته است. از دیدگاه تفلیس همکاری با ناتو می‌تواند گرجستان را به یک کشور امن در مسیر عبور خطوط لوله انتقال انرژی منطقه اروپا تبدیل کند. اما از منظری دیگر گرجستان بر این هدف است که از جانب ناتو درصدد تحکیم و

تقویت موقعیت داخلی، بین‌المللی، افزایش کارایی نیروهای مسلح و اعاده تمامیت ارضی خویش است. این کشور علاوه بر پیگیری تقویت ساختارهای نظامی و امنیتی خویش به دنبال حصول اهداف سیاسی، اقتصادی و مدنی و برطرف کردن مشکلات داخلی خویش هم می‌باشد. علاوه بر این، عضویت گرجستان در ناتو می‌تواند در برابر تهدیدات روسیه به این کشور تضمین امنیتی بدهد. با توجه به این که گرجستان تمایل شدیدی برای همکاری از خود نشان داده و این تمایل از سوی ناتو نیز بی پاسخ نمانده است، می‌توان پیش‌بینی کرد که سطح روابط طرفین در سال‌های آینده نیز گسترش یابد (Fas, 2019:13) همچنین با مرور بر روابط روسیه-ناتو و ناتو-گرجستان در سال‌های گذشته، می‌توان متوجه روندی از فراز و نشیب در روابط شد که برخی از آن‌ها ناشی از الزامات راهبردی هر سه طرف و برخی نیز ناشی از ضروریات زمان بوده است؛ اما آنچه را می‌توان بعنوان شاخص اساسی در روابط این سه طرف تا قبل از روی کار آمدن دولت رویای گرجستان معرفی کرد، ورود آمریکا در بستر ناتو جهت تأثیرگذاری بر روندهای حرکتی این سازمان و فراتر از آن، منطقه قفقاز و گرجستان است. در چنین فضایی، روسیه اقدامات گرجستان را عامل اصلی بحران منطقه‌ای و رویکردهای ناتو و آمریکا در پذیرش تفلیس را عامل برهم زدن موازنه می‌داند. در این زمینه بسیاری از مقامات روس و از جمله دمتری مدودیف پیوستن کشورهای نظیر گرجستان به ناتو را تهدیدی برای روسیه تلقی می‌کنند به طوری که مدودیف با جدی شدن پذیرش گرجستان در مصاحبه با روزنامه فایننشال تایمز آمریکا گفت: "هیچ کشوری در جهان، نمی‌تواند از نزدیک شدن یک پیمان نظامی به مرزهای خود خرسند باشد" (Diamant, 2017: 4).

از آنجایی که ایالات متحده و متحدانش در ناتو بر جنگ اوکراین متمرکز شده‌اند، تلاش‌های روسیه برای وارد کردن کشور دیگری به مدار خود تا حد زیادی مورد توجه قرار نگرفته است. مانند بسیاری از کشورهایی که زمانی بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بودند، گرجستان دارای جمعیتی است که عمدتاً طرفدار پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو هستند، این جهت‌گیری تنها در سال‌های پس از تهاجم مسکو به این کشور در سال ۲۰۰۸ تقویت شده است که باعث شد روسیه ۲۰ درصد از قلمرو آن سرزمین را اشغال کند. با این حال، رهبران فعلی گرجستان نه تنها در حمایت از اوکراین در مبارزه خود علیه تجاوز روسیه شکست خورده‌اند، بلکه آن‌ها تلاش‌های

تبلیغات ضد غربی را افزایش داده‌اند و از تحریم‌های غرب و محدودیت‌های تجاری علیه روسیه حمایت نکرده و از سرکوب‌های روسی علیه جامعه مدنی پر جنب و جوش گرجستان الگوبرداری کرده‌اند. در ماه مارس، آن‌ها حتی تلاش کردند قانونی را تصویب کنند که سازمان‌های جامعه مدنی طرفدار غرب و دموکراتیک را به عنوان «عامل نفوذ خارجی» معرفی کند. (foreignaffairs, 6 april 2023) رهبران اروپایی نگران لفاظی‌ها و سیاست‌های فزاینده ضد غربی دولت یا حزب رویای گرجستان بوده‌اند. اگرچه در قانون اساسی گرجستان تعهد به پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو قید شده است، اما رویای گرجستان تلاش کرده است تا درخواست‌های عضویت این کشور را به نهادهای غربی لغو کند. در سال ۲۰۲۲، زمانی که اتحادیه اروپا در حال تصمیم‌گیری برای اعطای وضعیت نامزدی به گرجستان بود، مقامات این کشور نیکا گوارامیا، مدیر عامل یک رسانه مستقل در گرجستان را به دلیل اختلاس و سوء استفاده از موقعیت خود در یک کانال تلویزیونی محبوب زندانی کردند، اقدامی که نقض قوانین اتحادیه اروپا است. سازمان‌هایی از جمله عفو بین‌الملل این اتهامات را با انگیزه سیاسی خوانده‌اند. این اقدام عملاً به نامزدی این کشور در اتحادیه اروپا، حداقل در کوتاه مدت پایان داد. علاوه بر این، دولت رویای گرجستان، ساکاشویلی رئیس‌جمهور پیشین را به طور غیابی به سوء استفاده از قدرت محکوم کرد و پس از بازگشت وی به گرجستان در سال ۲۰۲۱، او را دستگیر کرد. رفتار با رئیس‌جمهور سابق گرجستان تلاش دیگری از سوی رویای گرجستان برای تضعیف حاکمیت قانون و در نتیجه آسیب رساندن به شانس گرجستان برای ادغام با غرب است (fpri.org, 6 may 2024).

دولت تفلیس تحت کنترل حزب رویای گرجستان بیشتر به مسکو نزدیک شده است. پس از حمله به اوکراین، در فوریه ۲۰۲۲، گرجستان از حمایت از تحریم‌های غرب علیه مسکو خودداری کرد و در واقع به خود می‌بالد که فرصت‌های جدیدی برای افزایش صادرات به روسیه می‌بیند. سرویس‌های اطلاعاتی اوکراین علناً دولت گرجستان را به مذاکره با مسکو برای قاچاق کالاهای غیرنظامی و نظامی غربی به روسیه متهم کرده‌اند. و واردات گرجستان از اتحادیه اروپا پس از تهاجم روسیه به اوکراین به طرز چشمگیری افزایش یافته است و این ظن را تقویت می‌کند که از گرجستان به عنوان معجرائی برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌شود. ایالات متحده و متحدان اروپایی آن باید از لغزش بیشتر گرجستان به سمت اردوگاه روسیه جلوگیری کنند. تا زمانی که

ایوانیشویلی و حزبش بر گرجستان حکومت کنند، عضویت در اتحادیه اروپا غیر قابل تصور است. اما هر گونه تلاش غرب برای تنبیه حزب رویای گرجستان با قطع امید این کشور برای عضویت نهایی در اتحادیه اروپا تنها به سود ایوانیشویلی خواهد بود، زیرا او تلاش کرده است با نقض حاکمیت قانون، مانع از پیوستن به اتحادیه اروپا شود. دولت گرجستان با توجه به اعتراضات گسترده علیه قانون “عامل خارجی”، که در اوایل مارس ۲۰۲۳ برای تبعید و دستگیری بسیاری از منتقدان حزب حاکم تصویب شد، فعلاً این قانون را کنار گذاشته است (intellinews, 13 may 2024) اما می تواند آن را در هر زمانی دوباره بازتعریف کند، دولت احتمالاً محاسبه کرده است که می تواند به آرامی مخالفان را از پا در آورد و راه خود را طی کند. لیکن جامعه مدنی گرجستان به شدت در رویای پیوستن این کشور به یورو-آتلانتیک و مقاومت در برابر مسکو می باشد.

## نتیجه گیری و پیشنهادها

عرصه جغرافیایی قفقاز جنوبی از جمله حوزه هایی است که از فروپاشی شوروی تاکنون زمینه های رقابت و چانه زنی میان قدرت های بزرگ را شاهد بوده است. به طوری که این منطقه با توجه به ویژگی ها و پتانسیل های مختلف سرزمینی، جغرافیایی و بطور اخص در ژئواستراتژی های قرن جدید به دلیل تسلط بر منابع مهم نفتی جهان در خزر و خلیج فارس و همچنین کنترل بر مسیر ارتباطی شرق و غرب جهان و مسائل مهم دیگر از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. لذا امروزه تسلط بر قفقاز به دلایل ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک به یک محک و معیار «جهانی بودن قدرت» تبدیل شده است. از همین زاویه تلاش و پیگیری روسیه و آمریکا در قالب سازمان پیمان امنیت جمعی و ناتو برای کسب منافع و اهداف سیاسی و اقتصادی خود در منطقه قفقاز قابل ارزیابی است. بازیگران قفقاز جنوبی هم در این منطقه ژئوپلیتیکی حیاتی، همواره در یک وضعیت برد- باخت بوده اند. نتایج حاصل از بررسی ژئوپلیتیکی با ابعاد اقتصادی و فرهنگی آن در گذر تحولات تاریخی نشانگر آن است که جنوب قفقاز زیر سلطه حکومت های هم جوار قدرتمند بوده و حکومت های محلی تحت این سلطه نه تنها نتوانسته اند متحد شده و حکومتی یکپارچه در این منطقه تشکیل دهند بلکه تبدیل به موزاییکی از حکومت ها، قومیت ها و مذاهب شدند. همان گونه که در رفتار روسیه و ایالات متحده در مقاله حاضر نشان داده شد کنش این دو کشور در قفقاز

جنوبی در حوادث مختلف که از اوستیا و ابخازیا آغاز شده و به حادثه قره‌باغ و اوکراین رسیده متأثر از درک نادرست از یکدیگر و عدم درک از موقعیت هم بوده است. با این وجود نشان داده شد هر یک از کشورها برای رفتارهای خود در ارمنستان و گرجستان دلایل متقن و درست و برای دیگری خطا و بدی در نظر گرفته‌اند. درواقع حس ناامنی متقابلی که آنان از یکدیگر دریافت می‌کنند و تحلیلی که هر یک از بیرون از رفتار یکدیگر دارند موجب می‌شود تا الگوی امنیتی و ژئوپلیتیکی تقابل میان دو کشور رخ دهد. بنابراین براساس فرضیه موجود پندارهای مختلف از شیوه اقدامات اطمینان‌ساز، ارتقا قابلیت‌ها و پاسخگویی برای مقابله با تهدیدات امنیتی باعث سیاستگذاری رقابتی روسیه و آمریکا در بحران‌های منطقه قفقاز شده است. این پندارها در مسائل قره‌باغ، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نشان داد دو قدرت در بحث شناخت از رفتار یکدیگر سعی در توجه به مزایایی ژئوپلیتیکی خود داشته و هریک به جای آنکه به سمت همکاری‌جوی حرکت کنند دیگری را مسبب شرایط موجود می‌دانند و یک حالت رقابتی میان آنان ح‌کم‌فرما شده است. بنابراین منطق همکاری‌جویی در این منطقه به ویژه پس از بحران اوکراین و با اقدامات سیاستمداران ارمنی و گرجی به یک حالت بن‌بست ادراکی حداقل تا زمان نگارش این پژوهش رسیده است.

## فهرست منابع

- احمدی، ژیل و همکاران (۱۴۰۱)، جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری گرجستان؛ تمایل به غرب یا شرق (۲۰۰۸-۲۰۲۰). *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال پنجم، شماره هشتم، آبان.
- جعفری‌نیا، عباس و همکاران (۱۴۰۲)، ترتیبات امنیتی ناظر بر قفقاز جنوبی (فرصت‌ها و چالش‌های آینده). *آینده پژوهی دفاعی*، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار.
- دستنای متقی، افشین و قره‌بیگی، مصیب (۱۴۰۰)، تبیین کدهای ژئوپلیتیک روسیه در منطقه قفقاز جنوبی بر پایه نظریه زیست‌سیاست. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۱۴، تابستان.
- رضایی، قاسم و ثنائیان‌زاده، خدیجه (۱۴۰۰)، بررسی تعامل سازمان ناتو و ترکیه در منطقه قفقاز (بحران قره‌باغ). *جستارهای سیاسی معاصر*، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان.
- سازمند، بهاره، بیژن، عارف و تقی‌پور، مرتضی (۱۳۹۷)، تهدید روسیه و تاثیر آن بر سیاست‌های امنیتی گرجستان. *مطالعات اورسیای مرکزی*، ۱۱(۱)، ۱۴۱-۱۵۵.

- صباغیان، علی (۱۴۰۱)، تحول در سازوکارهای تنظیم کننده روابط اتحادیه اروپا با کشورهای قفقاز جنوبی. **مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان.
- مهدی‌زاده، مهران و همکاران (۱۴۰۲)، تبیین جایگاه ایران در مقایسه با نفوذ گسترده بازیگران جهانی در منطقه راهبردی قفقاز جنوبی. **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره دوازدهم، شماره اول، بهار.
- یگانه، مهرداد صالحی و رئیسی نژاد، آرش (۱۴۰۲)، اتحاد آنکارا- باکو در جنگ دوم قره باغ و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و هفتم، شماره ۲، تابستان.
- Aa.com.tr(2023), Russia urges Armenia to return to constructive dialogue in CSTO military bloc. <https://www.aa.com.tr/en/world/russia-urges-armenia-to-return-to-constructive-dialogue-in-csto-military-bloc/3131708>.
- Consilium.europa.eu (2020), EU relations with Armenia. <https://www.consilium.europa.eu/en/policies/eastern-partnership/armenia>.
- Diamant, Jeff. (2017). "Orthodox Christians in Central and Eastern Europe Favor Strong Role for Russia in Geopolitics, Religion". Accessed December 29, 2017.
- Elamiryan, Ruben (2023), World Order and Shifting Regional Security Landscapes: The U.S. Policies in The South Caucasus. [https://www.researchgate.net/publication/373329878\\_World\\_Order\\_and\\_Shifting\\_Regional\\_Security\\_Landscapes\\_The\\_US\\_Policies\\_in\\_The\\_South\\_Caucasus](https://www.researchgate.net/publication/373329878_World_Order_and_Shifting_Regional_Security_Landscapes_The_US_Policies_in_The_South_Caucasus).
- Emil Avdaliani(2022), Russia's "Return" to the South Caucasus. [https://www.researchgate.net/publication/363048873\\_Russia's\\_Return\\_to\\_the\\_South\\_Caucasus](https://www.researchgate.net/publication/363048873_Russia's_Return_to_the_South_Caucasus).
- Fas(2019), Georgia: Background and U.S. Policy. Congressional Research Service <https://crsreports.congress.gov/R45307>.
- Foreign affairs(2023), America Needs to Get Tough on Tbilisi. <https://www.foreignaffairs.com/georgia/russia-united-states-winning-georgia>.
- Fpri.org(2024), Government vs. the People in Georgia. <https://www.fpri.org/article/2024/05/government-vs-the-people-in-georgia>.
- Gaprindashvili, Paata(2019), The Future of Russia-Georgia Relations: The Need for a Comprehensive Anti-annexation Policy. [https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-658-26374\\_4\\_18](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-658-26374_4_18).
- German, Tracey(2022), Russia and the South Caucasus: The China Challenge. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09668136.2022.2071843>.
- Grigoryan, M. (2013). Armenia: Customs union commitment risks EU cooperation chances. Eurasianet. Retrieved from <http://www.eurasianet.org/node/67482>.
- Intelli news(2024), Georgians rally against "foreign agents" bill in largest protest in country's history. <https://www.intellinews.com/georgians-rally-against-foreign-agents-bill-in-largest-protest-in-country-s-history-324922>.
- Labarre, Frederic and George Niculescu(2023), Discussing a South Caucasus Short of Russian Dominance. 25th Workshop of the PfP Consortium Study Group Regional Stability in the South Caucasus.
- Lutz, Carol(2019), Russian Foreign Policy Management and Manipulation with the Soviet Successor States. Terrorism and Political Violence. Volume 31, 2019 - Issue 1.

- Makarychev, Andrey, Sergunin, Alexander (2013), "The EU, Russia and Models of International Society in A Wider Europe", Journal of Contemporary European Research, Vol 9, Issue 2.
- Vasilyan, S. (2018). The European Union as a 'moral power' in the south Caucasus. London: Palgrave. Macmillan.
- Vasilyan, S., & Petrossian, S. (2014). Russia's policy towards the south Caucasus: Triangulation of domestic, border and foreign logics. In L. Asta (Ed.), Challenges and perspectives of contemporary Russia. Padova: Digital Academic Press.

